

شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۵۲۵

اقتصادی

اخبار

دهک‌های ۸ تا ۱۰ از امروز کالا برگ دریافت می‌کنند



از امروز ۲۵ بهمن اعتبار دهک‌های هشتم، نهم و دهم فعال می‌شود و خانوارها می‌توانند از مراکز و فروشگاه‌های طرف قرارداد با سامانه کالا برگ، کالاهای مورد نیاز خود را خریداری کنند. چنانچه خانواری کل شارژ کالا برگ خود را استفاده نکند، این اعتبار به قوت خود باقی است و قابلیت استفاده در ماه‌های بعد را خواهد داشت. محدودیت خرید همه اقلام در شیوه دوم کالا برگ مورد بازنگری قرار گرفته تا خرید از فروشگاه‌ها به شکل پویاتری انجام شود. در مرحله دوم اجرای طرح کالا برگ امکان ارسال کالا به محل سکونت خانوارها فراهم شده است. همچنین در صورتی که خانوارها از مبلغ اعتبار کالا برگ بیشتر خرید کنند باید مابه‌التفاوت هزینه را پرداخت کنند.

اختصاص اعتبار بی‌سابقه ۲,۵ میلیارد دلاری برای توسعه کریدورها

مسعود پزشکیان در جریان سفر به استان گلستان با سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی دیدار و گفت‌وگو کرد. رئیس‌جمهور در بخشی از این نشست، با اشاره به توسعه کریدورهای حمل‌ونقل، این حوزه را از اولویت‌های قطعی دولت برشمرد و اظهار کرد: برای نخستین بار اعتباری بی‌سابقه به میزان ۲,۵ میلیارد دلار برای توسعه کریدورها اختصاص یافته است؛ رقمی افزون بر حدود ۱۰ میلیارد دلاری که بنا بر تدبیر و مجوز مقام معظم رهبری مقرر شد از محل درصدی از فروش نفت برای تکمیل جاده‌ها و کریدورهای کشور تأمین شود. پزشکیان با تأکید بر عزم جدی دولت در این زمینه تصریح کرد: هیچ تردیدی در اولویت بودن توسعه کریدورها وجود ندارد و با جدیت در این مسیر در حال حرکت هستیم. گام نخست، تعیین و تثبیت منابع مالی است و در کنار منابع دولتی، تلاش کرده‌ایم بخش خصوصی را نیز به‌صورت فعال وارد میدان کنیم. رئیس‌جمهور با اشاره به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای کمک مشارکت سرمایه‌گذاران افزود: وزارت راه و شهرسازی نشستی را با حضور سرمایه‌گذاران خصوصی، عمومی، دولتی و شهرداری‌ها برگزار می‌کند تا با هم‌افزایی، مسیر توسعه حمل‌ونقل عمومی و تکمیل زیرساخت‌های کریدوری با سرعت بیشتری دنبال شود. این حوزه از اولویت‌های راهبردی دولت است و روند اجرای آن با شتاب در حال پیگیری است. پزشکیان همچنین بر ضرورت اصلاح مقررات بازدارنده تأکید کرد و گفت: تصریح کرده‌ایم تمام قوانین و مقرراتی که مانع پیشرفت پروژه‌های زیرساختی است، باید بازنگری و در صورت لزوم حذف شود.

افزایش ۱۸ درصدی هزینه‌های جاری در بودجه ۱۴۰۵

با اصلاحات انجام‌شده در کمیسیون تلفیق بودجه، سقف هزینه‌های جاری دولت در سال آینده افزایش یافت. بر اساس تغییرات صورت‌گرفته در بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، مجموع هزینه‌های جاری دولت از رقم ۴۰۱۷ هزار میلیارد تومان (همت) پیش‌بینی‌شده در لایحه، به ۴۷۵۰ همت افزایش یافته است؛ به این ترتیب هزینه‌های جاری با رشد ۷۳۶ هزار میلیارد تومانی مواجه شده که معادل افزایش ۱۸ درصدی نسبت به رقم اولیه لایحه است. این افزایش اعتبارات جاری، زمینه بازنگری در میزان و شدت حقوق کارکنان را نیز فراهم کرده است. در حالی که در لایحه اولیه، افزایش حقوق‌ها به صورت ثابت ۲۰ درصد پیش‌بینی شده بود، با اصلاحات جدید امکان افزایش حقوق در بازه ۲۳ تا حدود ۴۰ درصد فراهم شده است. بخش قابل‌توجهی از رشد هزینه‌های جاری مربوط به افزایش اعتبارات مرتبط با حقوق و دستمزد کارکنان دولت است. هزینه‌های جاری دولت شامل اقلامی نظیر اعتبارات صندوق‌های بازنشستگی، حقوق و مزایای کارمندان، هزینه‌های رفاهی و سایر پرداخت‌های مستمر دستگاه‌های اجرایی می‌شود. افزایش سهم هزینه‌های جاری در ساختار بودجه، یکی از محورهای مهم بررسی لایحه در کمیسیون تلفیق بوده و آثار آن بر تراز عملیاتی و منابع تأمین مالی دولت در ادامه روند بررسی بودجه مورد توجه قرار خواهد گرفت.

فعال‌شدن سامانه تخصیص خودروی وارداتی از امروز

سامانه تخصیص خودروهای وارداتی از امروز به مدت ۲ روز برای واکلتی کردن حساب‌ها و ثبت‌نام فعال می‌شود. متقاضیان می‌توانند از امروز شنبه لغایت ساعت ۲۳:۵۹ روز دوشنبه (۲۷ بهمن) یکی از حساب‌های خود را نزد شعب بانک‌های واجد شرایط اعلامی در سامانه salecars.ir، به نام «خودرو وارداتی» واکلتی و مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان مسدود کنند. بدیهی است متقاضیانی که با عناوینی غیر از عنوان مذکور اقدام به واکلتی کردن حساب می‌کنند، امکان ثبت‌نام نخواهند داشت و سامانه هیچ‌گونه مسؤولیتی درباره موضوع مذکور ندارد. شایان ذکر است پس از واکلتی کردن حساب (۲۴ ساعت پس از ثبت درخواست در بانک مربوط) لغایت روز سه‌شنبه (۲۸ بهمن) امکان ورود به سامانه و انتخاب ۲ اولویت برای متقاضیان به نشانی salecars.ir فراهم خواهد شد.



کالبدشکافی سیاست‌های ارزی و کارنامه عبدالناصر همتی

میراث مدیریت ارزی

آرام تورم عمومی بود که در ابتدای حضورش حدود ۲۷ درصد بود و در پایان دوره ریاستش در سال ۱۴۰۰ به مرز ۴۰ درصد رسید. این افزایش مستمر، نشان‌دهنده توانایی کم در به کارگیری ابزارهای پولی برای مهار یکی از بزرگ‌ترین معضلات اقتصاد ایران بود.

اما الگوی مدیریت همتی، در گام بعد در وزارت اقتصاد دنبال شد. یعنی در ابتدای دولت پزشکیان و در فاصله‌های کوتاه و درست در چند ماه نخست فعالیت، بازار ارز شوکی بی‌سابقه را تجربه کرد. قیمت دلار که حول و حوش ۶۰ هزار تومان بود، با سرعتی زیاد تا مرز ۹۰ هزار تومان پیش رفت. این جهش ناگهانی که مستقیم بر قیمت کالاها و خدمات اثر گذاشت، تمام ادعاهای مهار تورم و ایجاد ثبات را زیر سؤال برد و نشان داد مدیریت ارزی، حلقه مفقوده‌ای است که همچنان گریبانگیر تصمیم‌گیران اقتصادی است.

در صحنه اقتصاد ایران، برخی چهره‌ها همچون عبدالناصر همتی حضوری چالشی دارند که گاه با شعار کنترل نرخ ارز در بانک مرکزی و گاه با وعده مهار تورم در وزارت اقتصاد آغاز می‌شود اما روایت تکرار یک الگوی اقتصادی همیشه نتیجه مشخصی دارد. همتی در دولت دوازدهم و در مقام رئیس کل بانک مرکزی، دوران پراگندگی را برای بازارهای مالی رقم زد. در آن برهه، بازار سهام که روزگاری امید سرمایه‌گذاران خرد بود، تحت تأثیر سیاست‌های ناپایدار و نبود برنامه‌ای روشن، مسیر سقوط را در پیش گرفت. هم‌زمان، شاخص کلان‌تر یعنی نرخ تورم صعود کرد. این دوگانه سقوط بورس و جهش تورم، نخستین فصل از چالش‌های مدیریت اقتصادی او را تشکیل می‌داد. در این دوره، نه ثبات مالی راحت‌تر حاصل می‌شد و نه سیاست‌گذاری اقتصادی در این مسیر چندان حرکت کرد. آن زمان آمارها گویای رشد

واکنش‌های متناقض و تحلیل‌های انتقادی

همتی در واکنش‌های متناقض و تحلیل‌های انتقادی در مواجهه با انتقادات، گاه رویکردی دفاعی و انتقادی در پیش گرفته است. پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری، آمار رسمی بانک مرکزی درباره کاهش تورم نقطه به نقطه را خلاف واقع می‌دانست. همچنین با ارائه تحلیلی مبتنی بر «خونریزی اقتصادی»، هزینه‌های کم‌رشدن دور زدن تحریم را عاملی برای تضعیف مستمر اقتصاد کشور عنوان کرد؛ تحلیلی که در آن زمان همسو با گفت‌وگوهای انتخاباتی مسعود پزشکیان بود و بی‌ارتباط با اقبال عمومی به آن دیدگاه نبود اما در مدیریت خودش شرایط تغییر چندان نکرد. حتی پیشنهاد جسورانه او در سال ۱۳۹۸ برای اصلاح قیمت حامل‌های

انرژی با محاسبه تورم ۱۷ درصدی هرگز نتوانست به برنامه‌ای عملی و کم‌اسیب برای اصلاح پارانها تبدیل شود و در مقطع کنونی نیز چنین برنامه‌ای ارائه نمی‌شود. واقعیت این است که همتی در مسیر پرفرازونشیب ارز، در دوران مدیریت وزارت اقتصاد به صحن مجلس شورای اسلامی کشیده شد و نمایندگان مردم پا پس گرفتن رأی اعتماد شش‌ماهه خود از عبدالناصر همتی، عملاً او را به عنوان نخستین خروجی زودهنگام دولت چهاردهم بر کنار کردند. این اقدام نادر مجلس، پرسشی جدی را برجا گذاشت. عملکرد او در این مدت کوتاه چگونه بود که به چنین سرنوشتی انجامید؟

الگوی تکراری و پایان زودهنگام

کارنامه حضور نخست همتی در دولت چهاردهم، در حقیقت حاوی تکرار و تشدید همان الگوی ناآرام‌ده‌های پیشین بود. یعنی اتخاذ تصمیمات انفجاری در حوزه ارز بدون پشتوانه کارشناسی کافی که به جای ایجاد ثبات، موجی از بی‌اعتمادی و تلاطم را به همراه آورد. همچنین ناتوانی در ارائه نتایج محسوس در کنترل تورم نشان داد در شرایط حساس کنونی، جامعه و نهادهای مسؤول، تحمل آزمون و خطاهای پرهزینه و بی‌ثمر را ندارند. این پایان، نه فقط یک تغییر

تبعات فقدان اراده نظارتی و مهار سوداگری در بانک مرکزی

بازخوانی عملکرد مدیریت عبدالناصر همتی در بانک مرکزی در دولت روحانی، تنها با نگاهی به آمار تورم و نرخ ارز کامل نمی‌شود. بخش حیاتی ناکامی، در عرصه مدیریت و نظارت نهفته است که کارشناسان آن را ریشه اصلی بی‌ثباتی بازار ارز می‌دانند. تحلیل دقیق نشان می‌دهد بهره‌م شناخت کامل عوامل ایجاد نوسان (از ضعف پایش مبادلات بانکی و نظارت بر نهادهای مالی گرفته تا رفتار سوداگران و فرار سرمایه، در بانک مرکزی همتی مکانیزم مؤثری برای مقابله با آنها شکل نگرفت. در آن سال‌ها، فضای روانی جامعه در حالتی بی‌بایبن و شکننده قرار داشت؛ حالتی که به شکل طبیعی تقاضای احتیاطی برای دارایی‌های امن مانند ارز و طلا را دامن می‌زد اما به‌شدت الان نبود. با این حال بانک مرکزی آن دوران نه‌تنها نتوانست با سیاست‌های شفاف و علامت‌دهی دقیق، این انتظارات را مدیریت کند، بلکه گاه با تصمیم‌های شتاب‌زده، خود به تشدید این فضای روانی دامن می‌زد. مدیریت روانی جامعه

وعده‌های همتی

هرچند تثبیت نرخ ارز در چنین شرایطی (اگر فاقد پشتوانه انضباط مالی و پولی باشد) تنها ثبات موقت ایجاد می‌کند اما در پس این ثبات اگرچه چشم‌انداز تولید مثبت است، نباید نقدینگی انبوه و پایه پولی منبسط شود. چون بعد از آن همانند فتری پیوسته فشرده‌تر می‌شود. تاریخ اقتصادی ایران بارها شاهد آن بوده که این فتر، با کوچک‌ترین شوک خارجی با کاهش ذخایر ارزی، با نیرویی ویرانگر رها شده و جهشی ناگهانی در قیمت‌ها را رقم زده است. از این رو، نگه داشتن مصنوعی نرخ ارز در سطحی پایین‌تر از واقعیت بازار، مستلزم تزریق دائمی منابع ارزی و از هم گسیختن شیرازه ذخایر است. با فرسایش این ذخایر یا تغییر انتظارات عمومی، هجوم برای خرید ارز و فرار سرمایه شتابی غیرقابل کنترل می‌گیرد. این سیاست نه‌تنها پایدار نیست، بلکه زایشگاه فساد و رانت گسترده می‌شود. نمونه عینی آن، داستان شکست‌خورده نرخ ۴۲۰۰ تومانی در سال ۹۷ است. این تصمیم که با شعار یکسان‌سازی آغاز شد، در عمل به ایجاد یک بازار سیاه پررونق، فساد اداری سیستماتیک در تخصیص ارز و حتی بازداشت مدیران بانک مرکزی انجامید.

تفاوت فاحش بین نرخ دستوری و قیمت واقعی، انگیزه قاچاق و خروج سرمایه را به اوج رساند و اعتماد به سیاست‌گذار پولی را به‌شدت خدشه‌دار کرد. پس تثبیت نرخ ارز تنها زمانی پایدار و سومند است که بازتاب تعادل‌های

فردی، بلکه هشدار جدی به تمام سازوکارهای سیاست‌گذاری اقتصادی بود که فقدان برنامه منسجم و اجرای سنجیده، می‌تواند به‌سرعت به بی‌اعتمادی عمومی و حذف سیاسی بینجامد. حالا حتی از آزمون دیگری قرار دارد. عملکرد عبدالناصر همتی در سمت‌های کلان اقتصادی، روایتی است از تکرار آشفتگی، چه در قامت وزیری که نتوانست از سقوط بورس جلوگیری و تورم را مهار کند، چه در مقام رئیس کلی که شاهد صعود بی‌وقفه شاخص

که سنگ‌بنای کنترل بازارهای دارایی است، در عمل قربانی روزمرگی و فقدان برنامه‌ای منسجم شد. یکی از نقاط کور اصلی، نظارت بر سازوکار صادرات و بازگشت ارز بود. در شرایطی که صادرکنندگان با ابهام در سیاست‌ها مواجه بودند، انگیزه‌ای برای بازگرداندن به‌موقع ارزهای خود نداشتند و ترجیح می‌دادند عرضه را به زمان‌هایی با نرخ بالاتر موکول کنند. این پدیده که ناشی از ضعف نظام پیمان‌سیاری و پایش دقیق بود، به شکل مستقیم عرضه روزهان ارز را کاهش می‌داد و تعادل بازار را بر هم می‌زد. از سوی دیگر، باید توجه داشت در مقطع کنونی، رویه‌های سهل‌گیرانه در کنترل واردات و مجوزهای غیرشفاف مانند «مجوز واردات بدون انتقال ارز»، تقاضای کاذب و سفته‌بازانه را به‌شدت افزایش می‌دهد. یعنی نباید دوگانگی مخرب ایجاد کرد، به طوری که تضعیف انگیزه صادرات و تسهیل بی‌ضابطه واردات، کشور را در چرخه معیوب کسری

واقعی اقتصاد باشد، نه یک مسکن موقت و پرعارضه برای فرار از اجرای سیاست‌های اصلاحی ساختاری، در غیر این صورت واقعیت‌های اقتصادی سرانجام با خشونت بیشتری خود را تحمیل خواهند کرد. حالا، رئیس کل جدید بانک مرکزی با همان وعده آشنای «تکن‌رخی کردن و ایجاد ثبات» با به عرصه گذاشته است اما روشن است که موفقیت این ادعا نه در شعار، که در هماهنگی با اقدامات تکمیلی ریشه‌ای نهفته است؛ کنترل رشد نقدینگی، اصلاح اساسی نظام بانکی بیمار و بهبود تراز تجاری از طریق حمایت واقعی از صادرات و مدیریت عقلانی واردات.

تجارب جهانی و داخلی نشان می‌دهد حرکت به سمت یکسان‌سازی نرخ ارز در شرایط بی‌ثباتی می‌تواند نقطه شروعی برای مهار تورم و بازیابی اعتماد باشد اما این امر تنها یک شرط اساسی دارد و آن هم اینکه با واقعیت‌های تلخ اقتصاد کشور هم‌خوانی داشته باشد و نه با اراده‌ای معجزه‌گرانه، که با مدیریتی منعطف، شفاف و همراه با اصلاحات گام‌به‌گام اجرا شود. در غیر این صورت، تاریخ در دور باطل خود تکرار خواهد شد و بار دیگر، جامعه هزینه سنگین آزمون و خطای دیگری را خواهد پرداخت. نتیجه آزمون و خطای برخی مدیران این است که با وجود تأثیر انکارناپذیر عواملی مانند جنگ یا کسری بودجه، فرصت طلایی برای ایجاد هماهنگی نهادی و طراحی برنامه‌های ضربه‌گیر از

شوک ارزی در پوشش تک‌نرخ‌سازی

محور اصلی انتقادات، معطوف به اجرای شتاب‌زده و بی‌محابی سیاست ادعایی تکن‌رخی کردن ارز بود. هرچند این ایده در نظر بسیاری از اقتصاددانان و حتی در سخنان انتخاباتی رئیس‌جمهور مطرح شده بود اما نحوه اجرای آن، این سیاست را به یک چالش تبدیل کرد. گزارش‌ها حاکی از آن است که با اصرار شخص همتی، بانک مرکزی مجبور شد در کمتر از ۴۰ روز، قیمت ارز در سامانه نیما را به شکل تصنعی و ناگهانی افزایش دهد. این شوک تزیقی، به‌عنوان سوخت اصلی، آتش افزایش قیمت ارز را در پاییز و زمستان سال جاری شعله‌ور کرد.

پس از آن، دستور انحلال سامانه نیما و انتقال کامل تعیین نرخ به «بازار ارز تجاری»، بدون زیرساخت و ضوابط کافی، وضعیت را بغرنج‌تر کرد. با ورود مرحله‌ای و نامنظم صنایع به این بازار، تقاضا از عرضه پیشی گرفت و دور جدیدی از افزایش قیمت را رقم زد. نتیجه این شد که امروز فاصله نرخ دولتی و بازار آزاد به بیش از

۴۰ درصد رسیده است. در حالی که پیش از این سیاست‌ها، این شکاف در بالاترین حالت حدود ۲۵ درصد بود. این یعنی نه‌تنها رانست ارزی کاهش نیافت، بلکه با مداخله‌ای ناسنجیده، به آن دامن زده شد و تا جایی پیش رفت که انگیزه صادرکنندگان برای بازگرداندن ارزهای خود به‌شدت تضعیف شد.

در محور دیگر، وعده‌های همتی برای کنترل تورم، در برابر آمارهای رسمی رنگ باخت. در ۶ ماه فعالیت او به‌عنوان وزیر اقتصاد، شاخص‌های تورم نه‌تنها کاهش نیافت، بلکه با افزایش قابل توجهی مواجه شد. تورم ماهانه آن دوره، از افزایش ۲,۹ درصدی در دی نسبت به آذر، به رشد ۴,۱ درصدی در بهمن نسبت به دی رسید. در سطح کلان‌تر، تورم نقطه‌به‌نقطه نیز از ۳۱,۷ درصد دی‌ماه، به ۳۵,۴ درصد در بهمن صعود کرد. این ارقام، گواهی روشن بر ناتوانی در مهار یکی از اصلی‌ترین دردهای اقتصاد ایران بودند.

قیمت‌ها بود و چه در بازگشتی کوتاه که به یک شوک ارزی سریع انجامید. این الگو نشان می‌دهد صرف انتقاد از وضعیت موجود (هرچند دقیق) و ارائه تحلیل‌های کارشناسانه، بدون داشتن برنامه‌ای منسجم، شفاف و قابل اجرا برای کنترل تورم و مدیریت بازار ارز، تنها بر گرداب بی‌ثباتی می‌افزاید. در نهایت این زندگی روزمره مردم است که قربانی این نوسان‌های پیاپی و ناتوانی در ایجاد ثبات می‌شود.

ارزی اسیر کند.

در این میان، نقش سوداگران و شرکت‌های فرصت‌طلب به وضوح مشهود است؛ بازیگرانی که با ایجاد اختلال در جریان طبیعی عرضه و تقاضا، تلاش می‌کردند افزایش قیمت را امری گریزناپذیر جلوه دهند. مقابله با این پدیده نیازمند یک نظام نظارتی قوی، هوشمند و بی‌طرف است. وجود نوسانات شدید، تنها نتیجه شوک‌های خارجی و سیاسی نیست، بلکه عمدتاً ناشی از خلأ مدیریت حرفه‌ای و عزم راسخ برای نظارت در داخل است. در حالی که تورم داخلی از متوسط جهانی بالاتر است، کارخانه‌های داخلی به‌تدریج در تنگنای مدیریت گرفتار می‌آیند چون مواد اولیه وارداتی گران شده‌اند. این پدیده ویرانگر که حاصل مستقیم سیاست‌های ارزی نادرست و تورم افسارگسیخته است، رفته‌رفته پایه‌های تولید ملی و اشتغال را می‌فرساید و اقتصاد را به سمت مصرف محض و وابستگی بیشتر سوق می‌دهد.

دست می‌رود. کنترل بازار ارز در دوران قبلی همتی، نه با یک نقشه راه روشن، که با واکنش‌های مقطعی و اغلب دیرنگام پیش می‌رفت که هزینه آن را نه مدیران، که عموم مردم در قالب تورم فراینده و از دست رفتن ارزش دارایی‌های خود پرداختند. این دوره، نمونه بارزی است از اینکه شناخت مشکلات، بدون اراده سیاسی و ظرفیت اجرایی برای نظارت و مهار رانت و سوداگری، محکوم به تکرار شکست است.

ماجرای مدیریت ارزی در ایران، از همتی گرفته تا سایرین، به ما درسی روشن و البته تلخ می‌دهد: بازار ارز در ایران دیگر یک شاخص اقتصادی صرف نیست، بلکه به تابلوی نمایشی از میزان اعتماد عمومی به دولت تبدیل شده است. هر نوسان در نرخ دلار، تنها بازتابی از محاسبات ریاضی عرضه و تقاضا نیست، بلکه اهمیت مدیریت بازار ارز را نشان می‌دهد که امروز فراتر از کنترل تورم یا کمک به صادرات است. این بازار به عصب حساس اعتماد اقتصادی برای سرمایه‌گذاران بدل شده است. وقتی سیاست‌گذار به جای درمان ریشه‌ای بیماری‌های اقتصاد (فساد بانکی، کسری بودجه ساختاری، تولید بیمار)، تنها به دستکاری مصنوعی عدد نرخ ارز می‌پردازد، در واقع مشغول جعل دماسنج به جای درمان تب است. نتیجه این رفتار، همان شده که بارها دیده‌ایم: یک شوک به اعتماد عمومی که با کوچک‌ترین تلنگری، تمام بازارها را به آتش می‌کشد.